

تجلی و ظهور اسماء مستأثره از دیدگاه امام خمینی (س)

سید قوام الدین حسینی*

چکیده: براساس متون دینی خدای متعال اسمی را برای خویش برگزیده که کسی از آن آگاه نیست. عموم عرفا مرتبه احدیت را اسم مستأثر الهی می‌دانند و معتقدند این اسم در غیب ذات حق باقی مانده و در عالم ظهور پیدا نکرده است. امام خمینی (س) در تألیفات مختلف عرفانی خود تأکید دارند که این اسم به مانند سایر اسماء الهی در عالم ظهور دارد، ولی مظاهر این اسم که همان جهت ارتباط مستقیم اشیاء به حق است همانند خود این اسم برگزیده هستند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

مقدمه

یکی از آرای عرفانی امام خمینی (س) که از برجستگی و درخشش خاصی برخوردار است و در جای جای آثار و تألیفات عرفانی ایشان به مناسبت‌های مختلف تبیین و تفسیر شده نظریه ظهور اسماء مستأثره الهی در عالم است. عرفای بزرگ کمتر در این مورد سخن گفته‌اند و چنان‌که از بعضی بیانات حضرت امام برمی‌آید، اصل این جهش فکری و عرفانی در ایشان به وسیله استاد عرفان امام، مرحوم شاه‌آبادی، ایجاد شده است و سپس با تأمل و شرح و بسط و تبیین

ابعاد مختلف آن به صورت یک نظریه متین و قابل دقت درآمده است. در این نوشتار ابتدا به جایگاه اسم مستأثر در بین اسماء الهی اشاره می‌شود و بعد از طرح نظریات عرفای عالیقدر در ظهور اسماء مستأثره، به طرح نظریه امام خمینی (س) در این خصوص می‌پردازیم.

جایگاه اسم مستأثر در میان اسماء الهی

اسماء الهی تعینات و تجلیات ذات و وسایط فیض حَقِّد و فیض الهی از طریق آنها به عوالم ملک و ملکوت می‌رسد و در واقع عوالم وجود مظاهر اسماء و صفات حق هستند. اولیای حق در سیر به سوی خدای متعال بعد از فنای از خود و خودی و سیر در عوالم نور، اسماء و صفات حق را مشاهده و در اسماء حق سیر می‌کنند. از اخبار و ادعیه صادر از اهل بیت عصمت (ع) استفاده می‌شود که خدای متعال اسمائی دارد که آنها را برای خویش برگزیده است و احدی از آنها آگاه نیست. این اسماء به «اسماء مستأثره» معروف شده‌اند. «استیثار» در لغت به معنی برگزیدن و به خود اختصاص دادن است و مستأثره، که از مصدر استیثار گرفته شده، به معنی برگزیده می‌باشد.

راغب اصفهانی در مفردات می‌گوید: «الاستیثارُ التَّفَرُّدُ بِالشَّيْءِ مِنْ دُونِ غَيْرِهِ»^۱ و در بحارالانوار آمده است: «استأثر بالشئِ أي استبدَّ به و حَصَّ به نفسه»^۲ از روایات ذیل استفاده می‌شود که اسماء مستأثره از مراتب غیبی اسم اعظم هستند که کسی از آنها آگاه نیست. امام باقر (ع) در این مورد می‌فرماید:

و نَحْنُ عِنْدَنَا مِنَ الْأَسْمَاءِ الْأَعْظَمِ اثْنَانِ وَ سَبْعُونَ حَرْفًا وَ حَرْفٌ وَاحِدٌ عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى اسْتَأْثَرَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَهُ.^۳

بر اساس همین روایات، امام خمینی (س) در مقام بیان مراتب اسم اعظم، اسم مستأثر را از مراتب غیبی اسم اعظم برشمرده‌اند:

اما الاسم الاعظم بحسب الحقيقة الغيبية التي لا يعلمها إلا هو ولا استثناء فيه، فبالاعتبار الذي سبق ذكره، وهو الحرف الثالث والسبعون المستأثر في علم غيبه.^۴

از روایت باب «حدوث اسماء» اصول کافی استفاده می‌شود، اسم مستأثر که از آن به اسم «مکنون» و «مخزون» نام برده شده است، جهت بطون و غیب اولین اسم الهی و در حجاب اسماء سه گانه دیگر است. به همین دلیل به اعتباری تعین و اسم است و به اعتبار دیگر عدم تعین و غیب و واسطه در ظهور اسماء دیگر می‌باشد.

عن ابی عبدالله (ع) قال: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَلَقَ اسْمَاءً... فَجَعَلَهُ كَلِمَةً تَامَةً عَلَى أَرْبَعَةِ أَجْزَاءٍ مَعًا لَيْسَ مِنْهَا وَاحِدٌ قَبْلَ الْآخِرِ، فَأَظْهَرَ مِنْهَا ثَلَاثَةً أَسْمَاءٍ لِفَاقَةِ الْخَلْقِ إِلَيْهَا وَحَجَبَ مِنْهَا وَاحِدًا وَهُوَ الْإِسْمُ الْمَكْنُونُ الْمَخْزُونُ... وَهَذِهِ الْأَسْمَاءُ الثَّلَاثَةُ أَرْكَانٌ وَحَجَبَ الْإِسْمُ الْوَاحِدَ الْمَكْنُونُ الْمَخْزُونُ يَهْدِيهِ الْأَسْمَاءُ الثَّلَاثَةُ.^۵

در صحف عرفانی نیز آمده که غیب ذات حق تعالی، از شدت بطون و غیب، بدون واسطه برای هیچ یک از اسماء و صفات ظاهر نمی‌شود و برای ظهور اسماء و بروز آنها احتیاج به واسطه‌ای است که جانشین ذات در ظهور کمالات ذات در مرائی اسماء و صفات گردد. این واسطه و «خلیفه» در ظهور کمالات ذات در مظاهر اسماء، وجهی به جانب غیب دارد که به این جهت غیب و غیر متعین است و وجهی به جانب اسماء دارد که به این جهت متعین و ظاهر در اسماء است.

ان الاسماء والصفات الالهية ايضاً غير مرتبطة بهذا المقام الغيبي بحسب كثرتها العلمية غير قادرة على اخذ الفيض من حضرة بلاتوسط شيء... فلا بُدَّ لظهور الاسماء و بروزها وكشف اسرار كنوزها من خليفة الهية غيبية يستخلف عنها في الظهور في الاسماء و ينعكس نورها في تلك المرايا... هذه الخليفة الالهية و الحقيقة القدسيه التي هي اصل الظهور لا بُدَّ ان يكون لها وجه غيبي الى الهوية الغيبية ولا يظهر بذلك الوجه ابدأ، و وجه الى عالم الاسماء والصفات بهذا الوجه يتجلى فيها.^۶

این واسطه در ظهور اسماء را که امام خمینی (س) «خلیفه الهی» و «اصل خلافت» نام می‌نهد در صحف عرفانی «وحدت حقیقی» نامیده‌اند. تعینی که برای ذات حق تعالی به اعتبار انصاف به این وحدت حقیقی لازم می‌آید «تعین اول» یا «حقیقت محمدی» نامگذاری شده است.^۷

اولین تعین الهی که واسطه در ظهور اسماء از مقام غیب می‌باشد «وحدت مطلقه» و وحدت حقیقی است، که جهت بطون آن را «احدیت» و جهت ظهور آن را مقام «واحدیت» و ظهور اسماء می‌نامند. مقام احدیت ذاتی که جهت بطون اولین تعین الهی است، همان اسم مستأثر الهی است.^۸

ظهور و تجلی اسماء مستأثره در عالم

در این بخش به بحث از معنای اسم مستأثر می‌پردازیم و اینکه آیا برگزیده بودن این اسم به این معناست که در عالم ظاهر نشده و مظهری در عالم ندارد یا به این معناست که مظهرش هم مثل خود این اسم برگزیده بوده و برای احدی معلوم نمی‌شود.

عرفا به طور عموم اسماء مستأثره را اسمائی می‌دانند که به ذاتشان طالب بطون و غیب هستند و اثری از آنها در عالم خلق ظاهر نمی‌شود و مظهری در عالم ندارند. صدرالدین قونوی در کتاب مفتاح غیب الجمع و الوجود، اسماء ذاتی حق را به دو قسم می‌داند: یک قسم از این اسماء، حکم و اثرشان در عالم ظاهر می‌شود و در عالم مظهر دارند که یا از طریق همین مظاهر آثار از پشت حجاب برای نیکوکاران شناخته می‌شوند و یا از طریق کشف و شهود برای کَمَل از عرفا و اولیاء معلوم می‌گردند. قسم دیگر از اسماء ذاتی، اسمائی هستند که اثری از آنها در عالم ظاهر نمی‌شود و به همین جهت برای احدی معلوم نمی‌گردند. این قسم دوم همان اسماء مستأثره الهی هستند.

ثم اسماء الذات قسمان، احدهما ما تعین حکمه و اثره فی العالم فیمعرف
من خلف حجاب الاثر كما قلنا و ذلك للعارفين الابرار او كشافاً و شهوداً و
هو وصف الکَمَل و ثانيهما ما لم يتعين له اثر و هو المشار اليه بقوله: او
استأثرت به فی علم الغیب.^۹

این اسماء با اینکه در عالم خلق ظاهر نمی‌شوند، صورت آنها در مرتبه اعیان ثابت (مرتبه علم الهی از دیدگاه عارف) موجود است. به همین اعتبار به صور این اسماء در مرتبه اعیان ثابت «ممتنعات» اطلاق شده است. معنای ممتنع در اصطلاح عارف عامتر از معنای آن در اصطلاح حکیم است. در اصطلاح عرفا، ممتنعات به صورتی می‌گویند که در عین وجود در مرتبه اعیان در

خارج تحقق پیدا نمی‌کنند، یا به جهت شدت وجود (مثل صور اسماء مستأثره) و یا به جهت باطل بودن و عدم امکان تحقق در خارج (مثل اجماع نقیضین). در اصطلاح حکیم ممتنع فقط قسم دوم را شامل می‌شود.

و هي الممتنعات قسمان، قسم يختص بفرض العقل اياه كشريك الباري وقسم لا يختص بالفرض، بل هي امور ثابتة في نفس الامر، موجودة في العلم، لازمة لذات الحق، لانها صور للاسماء الغيبية المختصة بالباطن من حيث هو ضد الظاهر، او للباطن وجه يجتمع مع الظاهر ووجه لا يجتمع معه... وتلك الاسماء هي التي قال (ص) في فتوحاته واما الاسماء الخارجة عن الخلق والنسب فلا يعلمها الا هو، لانه لا تعلق لها بالاكوان والى هذه الاسماء اشار النبي (ص) او استأثرت به في علم غيبك.^{۱۰}

بر طبق این نظر چون این اسماء طالب غیب و بطون هستند در خارج ظاهر نمی‌شوند و به همین لحاظ که در خارج موجود نیستند و مظهري ندارند، برای احدی معلوم نشده و برگزیده حق هستند.

اطلاق اسم مستأثر بر مقام ذات

امام خمینی (س) در شرح دعای سحر و در شرح عبارت «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ أَشْرَانِكَ بِأَكْبَرِهَا» بعد از بیان این مطلب که اسماء و صفات الهی حجب نوری برای ذات حقند و اینکه ذات احدی تنها از طریق اسماء و صفات ظهور می‌یابد و در مقام غیب ذات، اسم و رسم و حدی نیست، می‌فرماید: یکی از احتمالات در معنای اسم مستأثر این است که منظور از این اسم همان مقام غیب باشد و اطلاق اسم بر مقام غیب ذات به این جهت است که خود ذات علامت و نشانه برای ذات می‌باشد.

هذا فان اشرت باطلاق الاسم في بعض الأحيان على هذه المرتبة التي هي في عماء و غيب كما هو احد الاحتمالات في الاسم المستأثر في علم غيبه، كما ورد في الاخبار وأشار اليه في الآثار الذي يختص بعلمه الله، وهو الحرف الثالث والسبعون من حروف الاسم الاعظم المختص بعلمه به

— تعالی — فهو من باب ان الذات علامة للذات، فانه علم بذاته لذاته.^{۱۱}

امام خمینی (س) در تعلیقات بر کتاب مصباح الانس بعد از کلام فونوی در تقسیم اسماء ذاتی و اینکه اسماء مستأثره در خارج حکم و اثر ندارند، این قول را که اسم مستأثر، همان مقام غیب ذات است به استادشان در معارف الهی، مرحوم شاه‌آبادی، نسبت می‌دهند و می‌فرمایند ظاهر کلام فونوی این است که اسماء مستأثره در عالم مظهري ندارد، استاد عارف کامل ما می‌فرمودند که اسم مستأثر، همان ذات احدی و مطلق حق است، زیرا ذات الهی با تعیین منشأ ظهور اسماء است، اما ذات مطلق بدون تعیین منشأ ظهور اسماء نیست و اطلاق اسم هم بر مقام ذات از باب تسامح در تعبیر است، نه اطلاق حقیقی.

قال شيخنا العارف الكامل — دام ظلّه — ان الاسم المستأثر هو الذات
الاحدية المطلقة، فان الذات بما هي متعينة منشأ للظهور دون الذات
المطلقة، اي بلا تعين، و اطلاق الاسم عليه من الماسحة و الظاهر من كلام
الشيخ و تقسيمه، الاسماء الذاتية الي ما تعين حكمه و ما لم يتعين، انه من
الاسماء الذاتية التي لا مظهر لها في العين.^{۱۲}

اطلاق اسم بر آن از باب تسامح در تعبیر بوده و به همین دلیل اثری از آن در عالم ظاهر نمی‌شود، زیرا ذات غیبی حق با تعیین منشأ ظهور اسماء و اعیان است و بدون تعیین مقام غیب با هیچ موجودی مرتبط نیست، چنان‌که قبلاً اشاره شد.

کلام استاد حسن زاده آملی، در تبیین اسماء مستأثره

معظم له، در درس مصباح الانس، در مقام تبیین اسماء مستأثره فرمودند: «هر یک از اسماء الهی به طور غیر متناهی برگزیده حَقَّند و در عالم ظاهر نمی‌گردند.»
اسماء الهی در کمال اطلاقتشان، عین ذات حَقَّند، چنانچه اساطین عرفانی به آن تصریح کرده‌اند. ابن فناری در مصباح الانس می‌فرماید:

لان الحقائق الكلية للاسماء في كمال اطلاقها عين الذات و هو المراد
بقول الشيخ (س) في مواضع لا تحصى انها من حيث انتسابها اليه عين

با توجه به این مطلب، بیان حضرت استاد - دام ظلّه - که اسماء الهی به طور غیر متناهی برگزیده حَقّند در عین متانت، به یکی از دو قول گذشته بازمی‌گردد و منظور از اسماء مستأثره بر طبق این بیان یا مقام احدیت ذاتی است که واسطه در ظهور اسماء در مرتبه واحدیت است، چنانچه قبلاً اشاره شد، و نظر مشهور عرفا هم بر آن است و یا مقصود مقام غیب ذات است که در قول دوم بیان کردیم و در هر دو صورت این اسماء مظهري در عالم ندارند و برای احدی معلوم نیستند.

اسماء مستأثره مظاهر مستأثر دارند

امام خمینی (س) نظر سومی درباره اسم مستأثر دارند که به مناسبتهای مختلف در کتابهای عرفانی خود به آن اشاره کرده و از جهات مختلف به تبیین و تفسیر آن پرداخته‌اند. قبل از طرح نظر ایشان و برای فهم بهتر آن لازم است ابتدا مقدمه‌ای طرح شود. در کتب عرفانی بیان شده که ذات حق تعالی از همه عوالم بی‌نیاز است و هیچ‌گونه اشاره عقلی و وهمی بدان راه نمی‌یابد و از این جهت نمی‌توان آن را مورد بحث قرار داد. به همین لحاظ، موضوع عرفان نه ذات حق تعالی که خدای متعال است از جهت ارتباطش با خلق.

فموضوعه التخصیص به وجود الحق سبحانه من حیث الارتباطین لا
من حیث هولانه من تلك الحیثیة غنی عن العالمین لاتناله اشارة عقلیه او
وهیه فلا عبارة عنه فكیف یبحث عنه او عن احواله وكذا عن حقیقه من
حقیقه. ۱۴

یکی از حقایقی که عرفا در مقام تبیین چگونگی ارتباط حق تعالی با اشیا، که موضوع عرفان است، بیان کرده‌اند این است که اشیا از دو طریق با خدای تعالی مرتبطند: یکی از طریق سلسله علل و معلولاتی که در نظام وجود، در تحقق آنها دخالت دارند و از همین طریق یا ارتباط به مبادی عالی می‌توان به باطن اشیا راه یافت و از آن آگاه شد. طریق دوم ارتباط اشیا با خدای متعال، مستقیم و بدون واسطه و از طریق ارتباط خاص و جودی است که حق تعالی با اشیا دارد، و به همین لحاظ که این طریق، مستقیم و بلاواسطه است کسی

نمی‌تواند از آن آگاه گردد.

ابن فتاری در مصباح الانس از رساله الهادیة صدرالدین قونوی نقل می‌کند که در مقام بیان جهت ارتباط اشیاء با حق تعالی ارتباط مستقیم اشیاء به حق را، جهت و جویب اشیاء می‌نامد و در بیان سز این ارتباط می‌فرماید: سز این ارتباط، سریان و حدث ذاتی حق در همه موجودات است که احکام کثرت و وسایط را مستهلک می‌کند و به همین جهت، هر چه غیر حق تعالی در عالم به علیت وصف گردد، در واقع مُعد بوده و مؤثر حقیقی خدای واحد قهار است.

قال الشيخ^(۱۵) فی الرسالة الهادیة، اقول المشهور المحقق انه ما من موجود من الموجودات الا ارتباطه بالحق من جهتين، جهة السلسلة الترتیب التي اولها العقل الاول، وجهة طرف وجوبه الذي يلي الحق وانه من ذلك الوجه يصدق عليه، انه واجب و ان كان وجوبه بغيره و مراد المحققين من هذا الوجوب مخالف من وجه لمراد غيرهم و السز فيه عموم و حدة الحق الذاتي المنبسطة على كل متصرف بالوجود و القاضية باستهلاك احكام الكثرة و الوسائط و الموضحة احدية التصرف و المتصرف، بمعنى ان كل ماسوى الحق تعالی مما يوصف بالعلية فانه معد غير مؤثر، فلا اثر لشيء في شيء الا يعد الواحد القهار و اقول الغرض من هذه النكته الاخيرة، ان كل ما يطلق عليه المؤثر في هذه الاصول فالمراد به المعد و المؤثر الحقيقي هو سز الالهی و ان كل موجود فوحدة الحق فيه ساريه. ۱۵

جامی در اشعة اللمعات این دو طریق ارتباط با حق تعالی را «وجه خاص» و «سلسله ترتیب» می‌نامد و بر اساس این دو طریق ارتباط به تعریف «جذب» و «سلوک» در سیر الی الله می‌پردازد و فرق سالک مجذوب و مجذوب سالک را بیان می‌کند.

یکی جهت معیت وی با حق سبحانه و احاطه و سریان وی سبحانه در وی بالذات، بی‌توسط امری دیگر و این جهت را طریق «وجه خاص» گویند و فیضی که از این طریق می‌رسد بی‌واسطه است و توجه بنده را در این جهت «جذب» گویند و جهت دیگر «سلسله ترتیب» است که فیضی که به وی می‌رسد به وساطت اموری بود که در معیت وی بالوجود الحق سبحانه

مدخلی داشته باشند و فیضی که به وی می‌رسد بر مراتب آنها مرور کند و منصف به احکام آنها متنازلاً به وی برسد و چون بنده بر همین طریق متصاعداً به حق سبحانه بازگردد و با آنکه احکام یک یک مراتب را باز می‌گذارد به مرتبه فوق آن ترقی می‌کند تا با آن اسمی که مبدأ تعین وی است برسد و در آن مستهلک و مضمحل گردد و آن نسبت به وی تجلی ذاتی وی باشد این طریقه را «سلسله ترتیب» گویند و روش بنده را به این طریق مرتبه بعد مرتبه «سلوک» گویند و واصل به این طریق را اگر چه کمتر باشد از واصل به طریق اول، احاطه‌ای هست به احوال مراتب که واصل به طریق اول را نیست و واصل به طریق اول را چون بازگردانند و بر طریق سلسله ترتیب باز به مطلوب رسانند وی را «مجدوب سالک» خوانند و سالک بر طریق دوم را چون سلوک وی منتهی به وجه خاص و استهلاک در آن گردد، «سالک مجدوب» گویند و هر یک از این دو صاحب دولت اقتداء را شاید و تربیت مریدان از وی آید.^{۱۶}

پس از ذکر این مقدمه به توضیح نظر امام خمینی (س) درباره اسماء مستأثره می‌پردازیم. به نظر ایشان جهت ارتباط مستقیم اشیاء به حق تعالی که از آن به «سرّ وجودی» یاد می‌کنند، مظهر اسماء مستأثره حق می‌باشد؛ یعنی همان طور که سایر اسماء الهی در عالم اثر دارند و دارای مظهر هستند، اسماء مستأثره هم در عالم اثر دارند و دارای مظهر می‌باشند. اما مظهر این اسماء مثل خود این اسماء برگزیده حق بوده و کسی از آن آگاه نیست. به عبارت دیگر، هیچ اسمی از اسماء الهی بدون مظهر نیست و اسماء مستأثره هم دارای مظهر هستند. مظهر این اسماء جهت ارتباط غیبی اشیاء یا حق تعالی است، زیرا مقام احدیت ذاتی حق ارتباط خاصی با هر شیء دارد که کسی از آن آگاه نیست. بنابراین معنی مستأثر بودن این اسماء این نیست که در عالم مظهر نداشته باشند، بلکه به این معناست که مظهر این اسماء مثل خود این اسماء مستأثره بوده و کسی از آن آگاه نیست.

عندی ان الاسم المستأثر ایضاً له اثر فی العین الا ان اثره ایضاً مستأثر،
فان للاحدية الذاتية وجهة خاصة مع كل شیء هو سره الوجودی لا يعرفها
احد الا الله كما قال تعالی: «ما من داتية الا هو اخذ بِناصيتها» «و لكل وجهة هو

مَوْلِيَّهَا» فالوجهة الغيبية لها اثر مستأثر غيبى تدبر تعرف. ۱۷

امام راحل وجه خاص غیبی احدی را که همان سرّ وجودی و رابطه بین اسم مستأثر و اشیاء است، از ضمیر «هو» در دو آیه مذکور استنباط فرموده‌اند.

امام خمینی (س) در تعلیقات بر فصوص الحکم به دنبال کلام شارح قیصری «و ان کان یصل فیض الی کل ما له وجود من الوجه الخاص الذی له مع الحق بلا واسطه» که ارتباط خاص اشیاء با حق «تعالی» و رسیدن فیض الهی از این طریق به اشیاء را بیان می‌دارد، می‌فرمایند:

قوله من الوجه الخاص هو الوجهة الغيبية الاحدية التي للاشياء و قد يعبر عنها بالسرّ الوجودی و هذا ارتباط خاص بين الحضرة الاحدية و بين الاشياء بسرّها الوجودی «ما من دائرة إلا هو أخذ بتأصیبتها» ولا يعلم احد كيفية هذا الارتباط الغیبی الاحدی بل هو الرابطة بين الاسماء المستأثرة مع مظاهر المستأثره، فان الاسماء المستأثره عندنا لها المظاهر المستأثره و لا يكون اسم بلا مظهر اصلاً بل مظهره مستأثر فی علم غیبیه فالعالم له حظ من الواحدية و له حظ من الاحدية و حظ الواحدية معروف للکتمل و الحظ الاحدی سرّ مستأثر عند الله «و لکل وجهه هو مَوْلِيَّهَا». ۱۸

حضرت، امام از این بیان نتیجه می‌گیرد چنانکه عالم از مرتبه واحدیت بهره‌مند است و موجودات مظاهر اسماء حَقَّقند، از مرتبه احدیت هم بهره‌مند است که کسی از آن آگاه نیست. ظهور مقام واحدیت در عالم برای کَمَلین از اولیاء معلوم است. ایشان بر اساس این نظر، ترتیب عوالم را که قیصری در شرح بر فصوص الحکم، آورده است نپسندیده و ترتیب دیگری ارائه می‌کنند. ایشان اولین عالم را سرّ وجودی اشیاء در مقام علم و عین می‌دانند.

بل اول الحضرات حضرة الغیب المطلق ای حضرة الاحدية الاسماء الذاتیه و عالمها هو السرّ الوجودی الذی له الرابطة الخاصة الغیبیه مع الحضرة الاحدية و لا يعلم احد كيفية هذه الرابطة المكونة فی علم غیبیه و هذا السرّ الوجودی اعم من السرّ الوجودی العلمی الاسمائی و العینی الوجودی. ۱۹

حضرت امام در بیانی دیگر درباره اسماء مستأثره، فرق مقام ذات غیبی حق با تجلی احدی

که تمام اسماء و صفات در آن مستهلک هستند و اسم مستأثر الهی است و فرق این دو مقام را با تجلی به جمیع اسماء و صفات توضیح می‌دهند.

ان الوجود اما ان يتجلى بالتجلى الاحدى المستهلک فيه كل الاسماء و الصفات و هذا التجلى يكون بالاسم المستأثر و الحرف الثالث و السبعين من الاسم الاعظم فهو مقام بشرط اللاتية ففى هذا المقام له اسم الا انه مستأثر فى علم الغيب و هذا التجلى هو التجلى الغيبى الاحدى بالوجه الغيبية للفيض الاقدس و اما الذات من حيث هي فلا يتجلى فى سرقة من المرائى و لا يشاهدها سالک من اهل الله و لا مشاهد من اصحاب القلوب و الاولياء فهى غيب لا بمعنى الغيب الاحدى بل لا اسم لها و لا رسم و لا اشارة اليها و لا طمع لاحد فيها و اما ان يتجلى بأحدية جمع جميع حقايق الاسماء و الصفات فهو مقام اسم الله الاعظم رب الانسان الكامل^{۲۰}

از ظاهر کلام امام در شرح دعای سحر مشخص می‌شود که ایشان اصل این نظریه را از بیانات استادشان در معارف الهی، مرحوم شاه‌آبادی، استفاده کرده و آن را شرح و بسط داده‌اند.

ان الوجود بمراتبها السافلة و العالیه كلها مرتبط بالوجه الخاص مع الله تعالى بلا توسط شیء فان المقيد مربوط بباطنه و سره مع المطلق بل هو عين المطلق بوجه يعرفه الراسخون فى المعرفة و كان شيخنا العارف الكامل - ادم الله ظله على رؤوس مریديه - يقول: ان المقيد بباطنه هو الاسم المستأثر لنفسه و هو الغيب الذى لا يعلمه الا هو، لان باطنه المطلق و بتعيينه ظهر لا بحقیقته، فالكل حاضر عند الله بلا توسط شیء.^{۲۱}

بر اساس همین نظر امام در خطبه وصیت الهی خویش، قرآن کریم را مظهر و مجلای مقام احدیت با تمام اسماء حتى اسماء مستأثره و پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت گرامیش (ع) را مظاهر جمال و جلال حق و خزائن اسرار قرآن بیان می‌دارند.

الحمد لله و سبحانک اللهم صل على محمد و اله مظاهر جمالك و جلالک و خزائن اسرار کتابک الذى تجلى فيه الاحدية بجمع اسمائک حتى المستأثر منها الذى لا يعلمه غیرک و اللعن على ظالمهم اصل الشجرة

الخبيثة.

نظریه ظهور اسماء مستأثره از دیدگاه ناظرین در مباحث عرفانی و محققین بعد از ایشان

مؤلف محقق کتاب شرح مقدمه قیصری بر فصوص الحکم این نظر امام را در اسم مستأثر پسندیده است و در قسمتهای مختلف این کتاب، آن را بیان می‌دارد.

حق آن است که اسم مستأثر در عالم عین اثر دارد ولی اثر آن اسم نیز مستأثر است.

ایشان کلام امام را در رد تعلیقه بر مصباح (صفحه ۲۱۸) نقل می‌کند و در حاشیه این عبارت می‌گوید:

هیچ اسمی از اسماء حق خالی از ظهور و سریان در مظاهر نیست چیزی که هست، مظاهر در احکام تابع اسماء حاکمه‌اند و از حقیقت و احکام و خصوصیات اسم حاکم، حکایت می‌نمایند. یکی از احکام اسماء مستأثره خفاء حقیقت آن است و در عالم وجود مظهر این اسم که ساری در جمیع حقایق است مستأثر است.^{۲۲}

در دعاها و وارد شده از حضرات معصومین - علیهم السلام - همان طور که به اسماء دیگر الهی در مقام دعا تمسک شده به اسماء مستأثره هم تمسک شده است.

أَسْأَلُكَ بِكُلِّ إِسْمٍ سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ أَوْ أَنْزَلْتَهُ فِي شَيْءٍ مِنْ كُتُبِكَ
أَوْ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ^{۲۳} وَأَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ فِي مَخْرُوجِ الْغَيْبِ
عِنْدَكَ. ۲۴ وَاللَّهِمَّ اسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْتُونِ. ۲۵

آیت الله محمدی گیلانی - دام ظلّه - در رساله اسم مستأثر در وصیت امام، در تحلیل نظر امام در اسم مستأثر، تمسک به این اسماء در مقام دعا و واسطه بودن آنها در رسیدن فیض به عوالم خلق را در تأیید نظر امام می‌آورند:

دلیل حضرت امام بر این مدعا ظاهرأ، حیثیت اسم بودن «اسم مستأثر»

است، زیرا پیدایش اسم به اقتضای حاجات ممکنات است و اسماء الهی قبله حاجاتند که آفریدگان، فطرتاً به تناسب حاجات به اسماء بدان جا روی می‌آوردند و جبله ناله و لابه سر می‌دهند و به زبان فطرت قضای حاجاتشان را می‌طلبند.

و همین است مدلول آیه «وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا» [اعراف: ۱۸] و آیه: «يَسْئَلُهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ» [الرحمن: ۳۹] بلکه این استظهار به مقتضای اصول برهانی و قواعد عرفانی است.... مصادیر برکات و خیرات و مراجع حاجات همان اسماء و صفاتند که به تناسب برکات و حاجات مصدريت و مرجعیت دارند و ظهور اسماء و صفات نیز به واسطه فیض اقدس و خلیفه کبری «که همان خلافت محمدیه و اصل و مبدأ آن است» تحقق یافت.

پس چگونه ممکن است اسم اگر چه مستأثر باشد بدون مظهر و اثر باشد و قبله حاجات نباشد مضافاً به اینکه در بعضی از دعوات مأثوره، اسم مستأثر، مورد تمسک جهت قضای حاجات واقع شده است.^{۲۶}

از آنچه تاکنون از دیدگاه محققین و بیانات امام در مواضع مختلف در تبیین این نظر نقل شد به دقت و ظرافت این نظر پی می‌بریم. تعبیرات اخبار و ادعیه درباره اسماء مستأثره به طور عموم، بر غیبی بودن این اسم و عدم آگاهی از آن حتی برای نبی ختمی مرتبت (ص) که مظهر اسم جامع الهی است، دلالت دارد؛ چنانچه در این نظریه مثل نظریات دیگر بر آن تأکید شده است. اما نسبت به ظهور این اسماء در عالم تعابیری در اخبار و ادعیه موجود است که در ظاهر با این نظر سازگار نیست. برای مثال، در زیارت «ال یاسین» تعبیر «لَا يُخْرِجُ مِنْكَ إِلَىٰ غَيْرِكَ». آمده است. «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي خَلَقْتَهُ فِي ذَاتِكَ وَاسْتَقَرَّ فِيكَ وَلَا يُخْرِجُ مِنْكَ إِلَىٰ شَيْءٍ أَبَدًا» یا در موارد دیگر آمده است که این اسماء را در نزد خودت برگزیدی: «أَوْ اسْتَأْتَرْتُ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ»، اگر چه در این موارد چون ارتباط خاص و وجودی اشیاء که مظاهر اسماء مستأثره‌اند با مقام غیب احدی مستقیم و بدون واسطه است، این تعابیر یا وجودی که این اسماء در عالم مظهر دارند هم سازگار است. اما اینکه، اسماء الهی قبله حاجاتند و باید در عالم مظهر

داشته باشند، نسبت به مرتبه واحدیت و مقام ظهور اسماء درست است، اما همان طور که بیان شد، اسم مستأثر مرتبه احدیت و جهت غیبی مرتبه اسماء است و واسطه در ظهور اسماء از مقام غیب می باشد و همان طور که در ظاهر عبارت «... فَأَظْهَرَ مِنْهَا ثَلَاثَةَ أَسْمَاءٍ لِفَاقَةِ الْخَلْقِ إِلَيْهَا وَحَجَبَ مِنْهَا وَاجِدًا وَهُوَ الْإِسْمُ الْمَكْنُونُ...» روایت باب «حدوث اسماء» اصول کافی هم به دست می آید احتیاج خلائق به اسماء ظاهر در مقام واحدیت است و مرتبه بطون این اسماء که اسم مستأثر الهی است محل حاجت خلائق نیست. البته امام این حدیث را در کتاب شرح دعای سحر^{۲۷}، بر عالم خلق و اسم اعظم فعلی تطبیق داده اند.

یادداشتها:

- ۱) راغب اصفهانی، المفردات فی غرایب القرآن، دفتر نشر کتاب، چاپ دوم، ۱۴۰۴ هـ. ق، ص ۱۰.
- ۲) محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، بیروت: طبع جدید، جلد ۸۵، حدیث ۱، ص ۲۵۵.
- ۳) در کتاب، «حجت» اصول کافی، جلد ۱، ص ۳۳۴، بابی با عنوان «ما أعطی الانمه - علیهم السلام - من اسم الله الاعظم» باز شده که سه روایت در این باب نقل کرده است و... مفسرین به طور معمول این روایات را در تفسیر آیه کریمه «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ» می آورند. در کتاب بحار الانوار، جلد ۲۷، طبع جدید، تحت عنوان «ان عندهم الاسم الاعظم به يظهر منهم الغرایب» مجموع این روایات نقل شده است.
- ۴) روح الله موسوی خمینی، شرح دهای سحر، ترجمه سید احمد فهری، تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ پنجم، ۱۳۷۴، ص ۱۱۶.
- ۵) محمدبن یعقوب کلینی، اصول کافی، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت^(ع)، جلد ۱، «باب حدوث الاسماء»، ص ۱۵۲.
- ۶) روح الله موسوی خمینی، مصباح الهدایة الی الخلافة و الولاية، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ دوم، ۱۳۷۳، ص ۱۷-۱۶.
- ۷) صائغ الدین علی التزکی، القواعد، چاپ سنگی، ص ۷۹.
- ۸) سید محمد حسین طباطبایی، [علامه]، الرسائل التوحیدیه، بنیاد علمی و فکری استاد علامه سید محمد حسین طباطبایی با همکاری نمایشگاه و نشر کتاب، «رسالة الاسماء»، ص ۴۷.
- ۹) محمدبن حمزة الفناری، مصباح الانس، چاپ سنگی، چاپ دوم، ۱۳۶۳ با همکاری وزارت ارشاد اسلامی، فصل چهارم از فصول فاتحه، ص ۱۴.
- ۱۰) داود بن محمود القصری، مقدمه قیصری بر شرح فصوص الحکم، چاپ سنگی قدیم، ص ۱۸-۱۹.
- ۱۱) روح الله موسوی خمینی، شرح دهای سحر، صص ۱۱۴-۱۱۵.
- ۱۲) روح الله موسوی خمینی، تعلیقات بر مصباح الانس، مؤسسه پاسدار اسلام، چاپ دوم، ص ۲۱۸.
- ۱۳) محمدبن حمزة الفناری، مصباح الانس، ص ۱۳.

- ۱۴ همان.
- ۱۵ همان، ص ۲۸.
- ۱۶ عبدالرحمان جامی، اشعة اللمعات، انتشارات علمیه حامدی، صص ۱۴ - ۱۵.
- ۱۷ روح الله موسوی خمینی، تعلیقه بر شرح فصوص الحکم، مؤسسه باسدار اسلام، چاپ دوم، سال ۱۴۱۰ هـ ق، ص ۲۶.
- ۱۸ همان.
- ۱۹ همان، ص ۳۲.
- ۲۰ همان، ص ۱۴.
- ۲۱ روح الله موسوی خمینی، شرح دعای سحر، ص ۱۷۶.
- ۲۲ جلال الدین آشتیانی، شرح مقدمه قیصری، تهران: چاپ امیرکبیر، فصل دوم، ص ۲۶۱.
- ۲۳ حاج شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، دعای مشلول.
- ۲۴ محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، جلد ۹۱، ص ۱۲۱.
- ۲۵ همان، جلد ۸۶، ص ۲۵.
- ۲۶ محمد محمدی گیلانی، رساله اسم مستأثر در وصیت امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ دوم، ۱۳۷۲، صص ۵۱ - ۵۳.
- ۲۷ روح الله موسوی خمینی، شرح دعای سحر، ص ۱۳۸.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی